

بوم خبر

میزبانی گالری سهراب میزبان از آثار زنده یاد صادق تبریزی

گالری سهراب از ۱۱ بهمن میزبان نمایشگاهی از تمام دور‌های کاری زنده یاد صادق تبریزی هنرمند پیشگام مکتب سقاخانه شده است؛ نمایشگاهی برای آشنایی مخاطبان و هنردوستان و دانشجویان با هنرمندی که زندگی پر ماجرا و پرفراز و نشیبی داشت؛ شبیه خطوط سرکش، سحرآمیز و کوبنده نقاشی‌هایش. آثار این نمایشگاه به سعی مهرداد فلاح جمع آوری شده است. «صورتگر عشاق؛ از رقم صادق تا عمل تبریزی» عنوان این نمایشگاه است که در فقدان آثار پرشمار این نقاش، امکان برگراری نمونه مشابه آن در آینده نزدیک دور از ذهن به نظر می‌رسد. پس از نمایشگاه هفت سال پیش این هنرمند فقید در «گالری آیت» لندن، این مهم‌ترین نمایشگاهی است که در فقدان او در تهران برگزار می‌شود.

در متن نمایشگاه که روی دیوار گالری نقش بسته می‌خوانید: «تبریزی با عشق و شکیبایی به گنجینه مینیاتورومی آورد؛ آن را آگاهانه می‌آزماید و سپس سعی می‌کند فراموششان کند تا چون نقاشی امروزی که ذهنیتی معاصر دارد، بار دیگر از آن دانش و تجربه در فضایی جدید، اثری بیافریند که بیش‌تر از آن که چون مینیاتور کهن مقید به مضمون ادبی باشد، تابع کاربرد خط و رنگ در نقاشی مدرن است.» مهرداد فلاح نقاش و خواهرزاده صادق تبریزی به عنوان نماینده معرفی شده از سوی آن هنرمند برای زمان پس از فوتش - در ساراه ایده برگزاری نمایشگاهی گویند: «برپایی این نمایشگاه به مناسبت دومین سالگرد درگذشت زنده یاد تبریزی توسط گالری سهراب صورت گرفته است. این نمایشگاه در واقع تمدید یاد و نام پیشگام مکتب سقاخانه است. با توجه به این که گالری ۶۶ مکان قبلی گالری سهراب بوده، اصلی‌ترین مسئله این است که جمع آوری و نمایش این مجموعه در گالری خود آقای تبریزی که سال ۱۳۵۲ تأسیس کرد صورت گرفته است. آثار این نمایشگاه را از دوره‌های مختلف کاری زنده یاد تبریزی حداقل سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۲ شامل نقاشی خط‌ها، کارهای فیگوراتیو و فیگوراتیو مدرن و مینیاتور مدرن انتخاب کرده‌ایم.

بیشتر آثار متعلق به مجموعه آقای ترکمان مدیر گالری سهراب هستند و بخشی از آن را هم ما جمع آوری کردیم. در واقع اصرار علاقه‌مندان برای آشنایی با دوره‌های مختلف آثار هنرمند انگیزه اصلی برپایی این نمایشگاه بود. در عین حال ما نمایشگاهی از آثار زنده یاد تبریزی گذاشتیم تا بیننده‌ها با آثار ایشان بیشتر آشنا شوند؛ ضمن این که خاطره‌ای از گذشته ایشان دوباره توسط خانواده و دوستانشان زنده شود و آثار ایشان دوباره دیده شود. در این نمایشگاه یک سری آثار متعلق به ۱۳۳۸ و ۱۳۴۰ هستند که خیلی‌ها آن آثار را ندیده‌اند و جزو مجموعه شخصی است.»



به گواه برخی کارشناسان و منتقدان اثر این هنرمند روی یک پتل سرامیکی، نخستین اثر نقاشی خط است که کلماتش به قصد خوانده شدن نوشته نشده است. آخرین نمایشگاه خارجی این هنرمند ایرانی در سال ۱۳۹۱ در لندن برپا شد که با تابلوهای متفاوتی داشت. تبریزی طی ۵۰ سال لافلا ۲۰ نمایشگاه مهم انفرادی و گروهی برپا کرد. او اول بار سال ۱۳۵۱ آثارش را زیر نگاه غربی‌ها برد. از همان زمان، هنر او تحسین هنرشناسانی چون امونئل لوتن، میشل تاپیه و دیگران را برانگیخت. روزنامه لوموند در شماره ۱۹ آوریل ۱۹۷۲، او را پیشگام نوعی نقاشی غنایی دانست که آثارش نیروی فریبنده قدرتمندی دارد. نمایشگاه خط نگاره‌هایش در بورگز (۱۳۴۹) و گالری سیروس در پاریس (۵۰) به اهتمام «میشل تاپیه» هنرشناس شناخته‌شده سرآغاز شکوفایی هنر او بود. نمایشگاه «صورتگر عشاق؛ از رقم صادق تا عمل تبریزی» تا ۲۹ بهمن در گالری سهراب به نشانی خیابان سمیه، بین مفتوح و امیر شماره ۱۴۲ میزبان هنر دوستان است.

خودنگاره زبانی است که هنرمند با آن ذهنیات و برداشت‌های روحی خود را در گذر زمان و در موقعیت‌های مختلف شخصی و اجتماعی با بیننده در میان می‌گذارد. به همین دلیل، خودنگاره در بیشتر دوره‌های تاریخ هنر از سوی هنرمندان همواره مورد آزمایش و استفاده قرار گرفته است

همان خودی که به هنرمند خیره می‌شود، هنرمندی که زمان خلق اثر حضور داشته و حالا دیگر نیست. خودنگاره تعبیر هنرمند از خودش و میراثی برای آیندگان است و به مخاطب اجازه می‌دهد در فضا و زمان هنرمند قرار گیرد و احساسی عمیق از شخصیت هنرمند دریافت کند. انسان همیشه در صدد به جا گذاشتن چیزی با ارزش و گران‌بها از خود برای آیندگان بوده است. خودنگاره‌ها که تاریخی با قدمت بیش از شش قرن را همراه خود دارند و با اولین نمونه‌ها از حدود قرن چهارده آغاز و تاکنون ادامه دارد. غالب نقاشان و هنرمندان آثاری از این دست دارند که همانا برداشتن به خود، یا من هنرمند است. اما به نظر می‌رسد نقاش هم چنان از چهره‌اش برای بیان شرح حال خود و اینکه میل دارد چگونه جلوه کند، استفاده می‌کند.

در کل او به کشف و یا تجلی احساسات و عقایدش تمایل دارد. در واقع بخش مهمی از اثر هنری، ارجاع به درون یا خود هنرمند و یا برآمده از عواطف مؤلف است، به ویژه از زمانی که یک اثر به واسطه داشتند امضای هنرمند، منحصر به فرد بودنش را به نمایش گذارده، انگیزه فردیت‌گرایی در خودنگاره قوت بیشتری یافته و او را به آفریدن آثار هنری معرفی می‌کند یا مؤلف سوق می‌دهد.

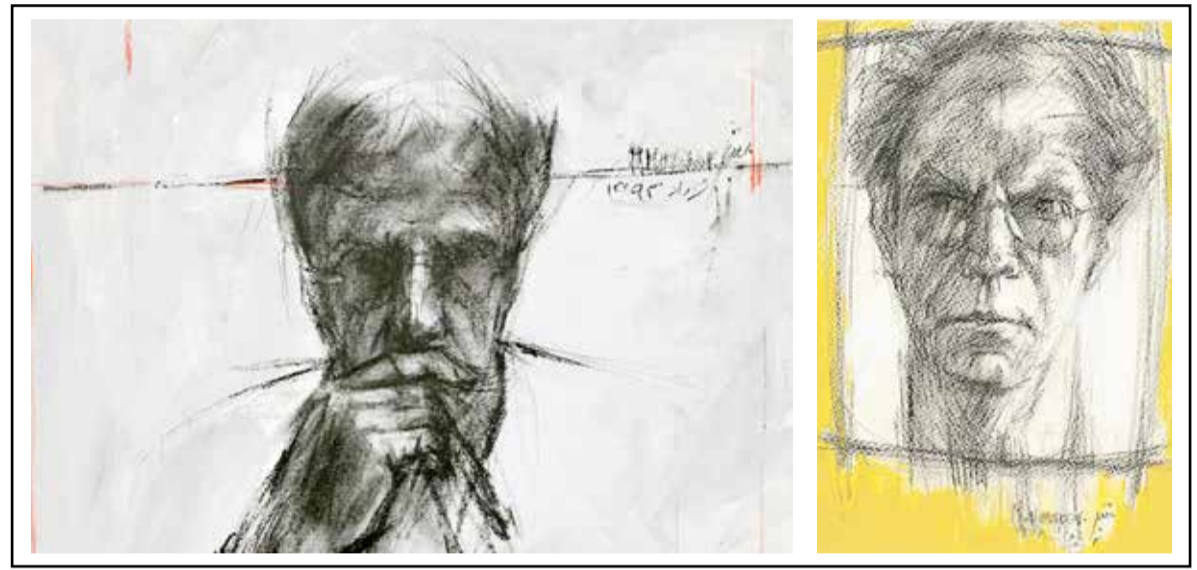
از شیوه برخورد با شناخت هنرمند از خود درونی‌اش نشأت می‌گیرد. شاید هنرمند با نشان دادن خودی دیگر بر آن است تا ابهامات و ناشناختگی ابعاد و ظرفیت‌های گسترده درونی خود را بیان کند.

خودنگاره به مثابه بیانیه هنرمند

«بررسی دلایل گرایش هنرمندان تجسمی به خودنگاری» عنوان مقاله دیگری است که به پدیده خودنگاری در نقاشی پرداخته است. در بخشی از این مقاله به قلم شریف‌زاده آمده است: خودنگاره چهره، تصویر شخصی است که توسط یک هنرمند دیده شده و بر حسب دیدگاه بصری هنرمند، شخصیت می‌یابد. خودنگاره نیز تصویری است که هنرمند از خودش ترسیم می‌کند و به عبارتی، بیانیه‌ی شخص هنرمند است. خودنگاره تنها یک انعکاس ساده از چهره نیست، بلکه متنوع و بی حد و حصر است و می‌تواند همچون تصورات به طور دقیق شبیه و یا به عکس، تصویر آبستره شده‌ای از مجموع افکار و احساسات هنرمند باشد و نیرویی بالقوه برای خلق افسانه، خودنگاری در نهایت، نوعی روبرویی با فناپذیری خود است.



دستیابی به یک بازنمایی صادقانه یا متقاعدکننده از خود، همیشه با این تصور توأم است که درون و برون، در نهایت، از یکدیگر متمایزند و دسترس دو خود وجود دارد؛ یکی در دسترس دیگری مخفی و پنهان. بنابراین بسیاری از چهره‌ها و پرتره‌ها، به منزله اشارت‌های شخصیت و خلق درونی شناخته می‌شوند. فیزیک یک چهره، نوع نگاه سوژه، تصویری است که علائم درد یا خنده، تمایلات عاطفی یا کینه، حالات روانشناختی ترس یا آرزو، حتی کیفیات روحانی، پاراسای یا اهریمنی را نمایش می‌دهد. به عبارت دیگر یک تصویر خودنگاره



خودنگاره تنها یک انعکاس ساده از چهره نیست، بلکه متنوع و بی‌حد و حصر است و می‌تواند همچون تصورات به طور دقیق شبیه و یا به عکس، تصویر آبستره شده‌ای از مجموع افکار و احساسات هنرمند و نیرویی بالقوه برای خلق افسانه باشد

دستیابی به یک بازنمایی صادقانه یا متقاعدکننده از خود، همیشه با این تصور توأم است که درون و برون، در نهایت، از یکدیگر متمایزند و دسترس دو خود وجود دارد؛ یکی در دسترس دیگری مخفی و پنهان. بنابراین بسیاری از چهره‌ها و پرتره‌ها، به منزله اشارت‌های شخصیت و خلق درونی شناخته می‌شوند. فیزیک یک چهره، نوع نگاه سوژه، تصویری است که علائم درد یا خنده، تمایلات عاطفی یا کینه، حالات روانشناختی ترس یا آرزو، حتی کیفیات روحانی، پاراسای یا اهریمنی را نمایش می‌دهد. به عبارت دیگر یک تصویر خودنگاره

بیدار کند. هنر نمی‌تواند صرفاً یک چیز فقط زیبا باشد. اینجا حرف از خردمندی است. بنابراین مسئله فقط زیبایی نیست. یعنی هم تکنیک و هم بیان یک حرف است.»

**شخصیت پیدا و پنهان هنرمند**

آنچه هنرمند در مقام آفریننده اثر و در قالب خودنگاره‌ها با ما در میان می‌گذارد چه ابعاد و زوایای دیگری را در بر می‌گیرد. به گواه آرای محققان برای هنرمند طرح انداختن چهره خود و نگرستن خود در آن به شاید نزدیک‌ترین و دست یافتنی‌ترین موضوع برای کنکاش در فلسفه وجودی انسان و فراز و فرود هنرمند باشد.

در بخشی از مقاله «تحلیل خودنگاره بارویکرد انتقادی به نظریه مرگ مؤلف» اثر اشرف‌السادات موسوی لر و سمانه کاظمیان مروی در این ارتباط آمده است: «در واقع، خودنگاره زبانی است که هنرمند با آن ذهنیات و برداشت‌های روحی خود را در گذر زمان و در موقعیت‌های مختلف شخصی و اجتماعی با بیننده در میان می‌گذارد. به همین دلیل، خودنگاره در بیشتر دوره‌های تاریخ هنر از سوی هنرمندان همواره مورد آزمایش و استفاده قرار گرفته و هنرمند نگاه خود به هستی را با نگاه خود بر خویش‌نخواه کرده است. مواجهه فرد با چهره خویش، به منظور

است. او که صدها و صدها بار چهره خود را به عنوان عنصری محوری در نقاشی‌هایش در نظر گرفته، در این ارتباط می‌گوید: «خودنگاری در کار بسیاری از نقاشان مشاهده می‌شود. یک بحث روان‌شناسی و جهان‌بینی وجود دارد که خود من به عنوان سوژه یک نقاشی تنها یک بهانه هستم. نقل قول جالبی از رامبراند هست که می‌گوید: «تو دنبال دوام می‌گویی و این حیات و جهان‌بینی تو است.» جهان‌بینی چیزی نیست که بشود در مدرسه‌ها آموخت و تنها در اثر کاوش کردن به دست می‌آید. من به جهان‌بینی بسیار اهمیت می‌دهم و معتقدم هر سوژه‌ای که نقاش بر پایه جهان‌بینی خود برمی‌گزیند، از جمله خودنگاره‌هایش بجز تصویری که پیش روی شما قرار می‌دهد معنایی هم در آن نهفته است. پیامی است که من آن را پیدایم کنم و مخاطب آن را می‌بیند. باید نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم واکنش داشته باشیم و نسبت به اتفاقات اجتماعی، فرهنگی و هر اتفاق دیگری بی‌تفاوت نبود. اگر مسئله‌ای اجتماعی دغدغه ذهنی من باشد، خواه ناخواه این مسئله در اثر من دیده خواهد شد؛ حتی اگر موضوع نقاشی در ظاهر چهره خودم باشد. هنر، بیان است؛ هنر بالاخره باید از یک چیزی حرف بزند و در نهایت باید مخاطب را

روزیه صدر

منوچهر معتبر هنرمند نقاش شناخته شده این روزها مجموعه‌ای با عنوان «خودنگاره‌ها» را در گالری طراحان آزاد به نمایش گذاشته است. خودنگاره‌ها به عنوان آفرینش‌هایی که شاید نزدیک‌ترین و بی‌واسطه‌ترین تصویر ممکن از هنرمند را به دست می‌دهند، واجد خصلت‌ها و کارکردهایی چندگانه‌اند که در بخشی از این کارکردها امکان شناختی ملموس‌تر را در اختیار مخاطب می‌گذارد. تاریخ هنر، از لئونارد دو داوینچی تا رامبراند و ون‌گوگ، نمونه‌های بسیاری از خودنگاره‌های هنرمندان نقاش را در خود جای داده که بعضی از آن‌ها در زمره بهترین آفریده‌های خالقانشان قرار می‌گیرند. در تاریخ معاصر ایران نیز نمونه‌های فراوانی از خودنگاره‌های هنرمندان نقاش ثبت شده و منوچهر معتبر در جایگاه هنرمندی که بیش از ۶ دهه به آفرینش هنری پرداخته، از آن دست هنرمندان است که توجهی ویژه به خودنگاری در آثارش مشاهده می‌شود.

خودنگاره حامل پیام‌هایی از هنرمند است

خودنگاری برای منوچهر معتبر واجد ابعادی پیدا و پنهان و چندگانه

یادداشت

جابه‌جایی مرجع نظارت بر تشکل‌ها چه در پی خواهد داشت؟

چالشی تازه پیش روی انجمن عکاسان ایران

نادر کمالوند

انجمن عکاسان ایران به عنوان یکی از باسابقه‌ترین نهادهای صنفی در حوزه هنرهای تجسمی این روزها با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو شده است. طبق اطلاع‌رسانی‌های اخیر این نهاد برگزاری مجمع عمومی انجمن عکاسان ایران برای انتخاب هیات مدیره انجمن با توجه به تصمیم به تغییر مرجع صدور مجوز فعالیت انجمن فعلاً به حالت تعلیق در آمده است و هیات مدیره فعلی انجمن تا مشخص شدن مرجع صدور مجوز و نظارت بر فعالیت انجمن به فعالیت قانونی خود ادامه می‌دهد. انجمن عکاسان ایران با وجود انجمن‌های تخصصی عکاسان در صورت تشکیل انجمن با وجود انجمن‌های تخصصی عکاسان تردید داشتند، اما انجمن با هدف شکل‌گیری یک تشکل فراگیر برای عکاسان که جامعه عکاسی را یکپارچه و منسجم کند تشکیل شد.

ضرورت تشکیل انجمن عکاسان ایران در بدو امر این مسئله عنوان شده که عکاسی هنری کشور متولی نداشته باشد، چون عکاسی هنری متولی نداشت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابزار کنترل و بودجه و اعتبار داشت اما نمی‌توانست متولی عکاسی باشد. نمایشگاه‌های

مشخص شدن مرجع صدور مجوز و نظارت و طی مراحل اداری آن مجوزی برای برگزاری مجمع عمومی انجمن عکاسان ایران صادر نخواهد شد و انجمن عکاسان ایران با شرایط و هیات مدیره فعلی می‌تواند و مجاز است فعالیت قانونی خود را تا مشخص شدن این وضعیت از سوی وزارت کشور ادامه دهد. بنابه اظهارگر داندگان این نهاد، زمانی که انجمن عکاسان ایران تشکیل شد، عده‌ای در ضرورت تشکیل انجمن با وجود انجمن‌های تخصصی عکاسان تردید داشتند، اما انجمن با هدف شکل‌گیری یک تشکل فراگیر برای عکاسان که جامعه عکاسی را یکپارچه و منسجم کند تشکیل شد.

ضرورت تشکیل انجمن عکاسان ایران در بدو امر این مسئله عنوان شده که عکاسی هنری کشور متولی نداشته باشد، چون عکاسی هنری متولی نداشت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابزار کنترل و بودجه و اعتبار داشت اما نمی‌توانست متولی عکاسی باشد. نمایشگاه‌های

کوچکی برگزار می‌شد و نهادهایی مسابقه‌ها و جشنواره‌های عکس برگزار می‌کردند اما کمکی به روند عکاسی جدی نمی‌کرد. انجمن سینمای جوان نیز که پیش از آن به فیلم‌سازی و عکاسی می‌پرداخت، در آن سال‌ها عکاسی را به دلیل اینکه بازه نداشت از فعالیت خود حذف کرده بود. هرچند در سال‌های اخیر عکاسی در انجمن سینمای جوان دوباره دنبال می‌شود. بنابراین تشکیل انجمن عکاسان ایران در این شرایط به منظور این بود که هنرمندان عکاس کنار هم قرار بگیرند و خواسته‌های خود را در داخل و خارج از کشور دنبال و عملی کنند و خواسته‌های جامعه عکاسی از دولت مطالبه شود. از سال ۱۳۸۴ که نشست مجمع عکاسان برای تشکیل انجمن و انتخاب هیات مؤسس برگزار شد و بعد که در سال ۱۳۸۸ اساسنامه تصویب شد و نخستین هیات مدیره انجمن تعیین و کار انجمن آغاز شد تا امروز فعالیت‌هایی از سوی این نهاد صورت گرفته که چندان اطلاع‌رسانی و منعکس نشده